اخبار

سردار ناجی کارتال شد
پرسپولیس به رده سوم صعود کرد

پرسپولیس با برتری یک بر صفر مقابل گل‌گهر سیرجان در هفته نوزدهم لیگ برتر، ۳ امتیاز مهم کسب کرد و به جایگاه سوم جدول صعود کرد. این دیدار که روز شنبه در ورزشگاه شهدای شهر قدس برگزار شد، با تک‌گل سردار دورسون، مهاجم جدید سرخ‌پوشان، به پایان رسید.

■ نیمه اول؛ موقعیت‌های از دست‌رفته

پرسپولیس بازی را با حمله‌ای سریع از سمت راست آغاز کرد اما مدافعان گل‌گهر توپ را دور کردند. دقیقه ۱۴، حامدی‌فر با پاس در عمق، تیکدری را در موقعیت خوبی قرار داد اما با دخالت فرجی توپ به کرنر رفت. گل‌گهر دقایقی بعد روی ارسال کرنر رزاق‌پور ۲ موقعیت متوالی داشت؛ ابتدا گندوز با واکنشی خوب ضربه تیکدری را مهار کرد و سپس ضربه سر علی قربانی با اختلاف اندک از کنار دروازه بیرون رفت. دقیقه ۳۵، مهاجم گل‌گهر شانس دیگری برای گلزنی داشت اما ضربه او از بالای دروازه پرسپولیس به بیرون رفت تا نیمه اول بدون گل به پایان برسد.

■ نیمه دوم؛ طلسم‌شکنی سردار

پرسپولیس نیمه دوم را تهاجمی‌تر آغاز کرد و دقیقه ۵۲ موقعیتی جدی به دست آورد. کنعانی‌زادگان توپ را برای میلاد محمدی ارسال کرد و پاس عرضی او علیپور را در موقعیت گلزنی قرار داد اما ضربه این مهاجم در اختیار اخباری قرار گرفت.

دقیقه ۵۵، اشتباه علیزاده فرصتی برای علیپور ایجاد کرد اما پاس او به آل‌کثیر دقت کافی را نداشت و این موقعیت هم از دست رفت. دقیقه ۶۸، ارسال زیبای سروش رفیعی از روی ضربه ایستگاهی، فرشاد فرجی را در موقعیت خوبی قرار داد اما ضربه سر او روی سقف دروازه فرود آمد.

طلسم بازی دقیقه ۷۲ شکست؛ امید عالیشاه با یک ارسال دقیق، توپ را به محوطه جریمه فرستاد. پس از برخورد توپ به آل‌کثیر، سردار دورسون با ضربه‌ای دقیق دروازه اخباری را باز کرد تا نخستین گل خود در لیگ برتر ایران را به ثمر برساند.

■ VAR و پنالتی مردود

دقیقه ۷۵، پرسپولیس در موقعیتی بحث‌برانگیز صاحب یک ضربه پنالتی شد اما پس از بررسی VAR، داور اعلام کرد میلاد محمدی هنگام توپ‌گیری روی مجید عیدی مرتکب خطا شده است و تصمیم خود را تغییر داد.

پرسپولیس با این برد، ۳۷ امتیازی شد و به رده سوم جدول صعود کرد. سردار دورسون نیز در نخستین بازی خود برای سرخ‌پوشان عملکرد درخشانی داشت و ناجی تیمش شد.

■■■

درخشش خارجی‌های استقلال خوزستان

در حالی که این روزها عملکرد مطلوب بازیکنان خارجی استقلال خوزستان در لیگ برتر سروصدای زیادی کرده (تیوی بیفوما و کاینا نونس) عملکرد درخشان مدافع بلندقامت یونانی آن تیم یعنی «دیمیتریس چاتزیسائیاس» به چشم نمی‌آید، این در حالی است که وی در ۲ بازی اخیر این تیم میانگین نمره ۶٫۹۴ را به ثبت رسانده است. دیمیتریس در ابتدای فصل به علت اضافه وزن بازی‌های زیادی را از دست داد اما نیم‌فصل دوم عملکرد خوبی را از خود به نمایش گذاشته است.

وی روز جمعه در بازی استقلال خوزستان ـ شمس‌آذر طبق آمار یکی از برترین بازیکنان میدان بود.

یادداشت

کابوس درویش این روزها تنها یک چیز است

پایان کار بدون جام

بهراد رشوند: رضا درویش حالا دیگر از آن مدیرانی نیست که با خیال راحت روی صندلی‌اش تکیه بزند و قهوه‌اش را مزه‌مزه کند. صندلی‌اش، درست مثل تیمش، زیر پایش لرزان شده و هر صدای اعتراض، یک زلزله کوچک است. فصل را که بالا و پایین کنیم، می‌بینیم خطر یک پایان تلخ، نزدیک‌تر از همیشه شده؛ پرسپولیس قهرمان، حالا در مسیر یک سال بدون جام قدم می‌زند و «آقای مدیر» نفس‌های سنگین هواداران را پشت سرش حس می‌کند.

■ ۳ کاپیتان روی نیمکت؛ کشتی بدون سکان

آنها که فوتبال را خوب می‌شناسند، می‌دانند تغییر سرمربی وسط فصل، یعنی چرخیدن وسط توفان. پرسپولیس این فصل ۳ ناخدا روی عرشه دیده؛ اول گاریدو، بعد کریم باقری و حالا اسماعیل کارتال. این رفت‌وآمدها، هم ثبات تاکتیکی را از تیم گرفت و هم تمرکز بازیکنان را. تیمی که در سال‌های قبل مثل یک ساعت سوییسی دقیق کار می‌کرد، حالا هر دقیقه یک ایراد جدید پیدا می‌کند. درویش، در این تئاتر مربی‌بازی، خودش را در نقش کارگردان دید اما حالا تماشاگران راضی نیستند و سوت‌های اعتراضی بلندتر از همیشه شده است.

■ جامی که رفت، کابوسی که ماند

پرسپولیس در سوپرجام، نخستین ضربه را خورد؛ باخت به سپاهان، یعنی شروع یک مسیر ناهموار. تیمی که تا دیروز همه را می‌برد، حالا یکی‌یکی جام‌ها را دودستی تقدیم می‌کند. بعدش نوبت لیگ نخبگان آسیا شد؛ جایی که سرخ‌ها، به جای صعود مقتدرانه، حالا در مرز حذف قرار دارند. آنها که روزی برای قهرمانی در آسیا نقشه می‌کشیدند، حالا در حسرت یک بلیت صعود مانده‌اند.

■ لیگ برتر؛ سقوط از قله به دره

جدول را که نگاه می‌کنی، پرسپولیس را آن بالاها نمی‌بینی. تیمی که همیشه یا اول بود یا دوم، حالا در رتبه چهارم ایستاده و مدعیان قهرمانی را با فاصله تماشا می‌کند. سپاهان و تراکتور، یک قدم جلوتر از تیمی هستند که همیشه به بردن عادت داشت. از آن طرف، در جام حذفی هم قرعه بدی نصیب‌شان شده؛ یک نبرد دیگر با همان سپاهانی که ۲ بار شکست‌شان داده. اگر این یکی هم از دست برود، دیگر چیزی از صبر هواداران باقی نمی‌ماند.

■ پلن B دارید؟

درویش، ۲ فصل پیش، سلطان جام‌ها بود؛ مدیرعاملی که زیر پرچمش، پرسپولیس همه چیز را فتح کرد اما فوتبال، صبر ندارد. باخت‌های این فصل، جام‌های از دست‌رفته و امیدهای در حال فروپاشی، همه انگشت اتهام را به سمت او گرفته‌اند. پایان این فصل، برای او یا یک بازگشت باشکوه است، یا وقت خداحافظی. آیا رضا درویش راهی برای فرار از این کابوس پیدا می‌کند، یا سرنوشتش هم مثل جام‌ها، از دست خواهد رفت؟

الشرطه و مس، موسیمانه و سهراب فرقی ندارند

نبردن، عادت استقلال

عبدالله دارابی: هفته نوزدهم لیگ برتر هم با تساوی دیگری برای استقلال در برابر مس رفسنجان به پایان رسید. چه با موسیمانه و چه با سهراب، چه در مصاف حساس با الشرطه عراق و چه در تقابل با مس رده سیزدهمی، گویا استقلال نبردن را دوست‌تر می‌دارد و نمی‌خواهد سر و سامانی به وضعیت خود دهد!

این استقلال بیمار است، ضربانش هماهنگ نمی‌زند، قلب به درستی خون‌رسانی نمی‌کند، مغز بخوبی فرمان نمی‌دهد، تن رنجور و روانش نیز پریشان است!

با این احوال پیروزی بر الریان قطر و صعود به مرحله حذفی لیگ نخبگان آسیا نیز شاید در مرز ابهام قرار گیرد.

استقلال این روزها، زور بردن تیم‌های پایین جدولی را هم ندارد، چه در آسیا و چه در ایران و این معضل در لیگ برتر بیشتر جای سوال دارد!

آبی‌پوشان تا دقیقه ۲۲ بازی با مس رفسنجان، بیشتر توپ لو می‌دادند و از ارسال چند پاس متوالی نیز عاجز بودند و این مس بحران‌زده بود که شرایط بهتری از این نظر داشت و حتی یک بار توسط جبیره، دروازه حسینی را تهدید کرد. نیمه دوم این نقیصه در شاگردان سهراب بختیاری‌زاده بسیار کمتر شد و توانستند پاس‌های متعددی رد و بدل کنند ولی در پاس‌های آخر و ضربات تمام‌کننده با مشکل مواجه بودند، لذا نتوانستند دروازه حریف را باز کنند. انبوه سانترهای رامین رضاییان فقط ۲ بار خلق موقعیت کرد که یک بار با ضربه سر سیلوا در دقیقه ۳۲ از کنار دروازه حامد لک بیرون رفت و دیگری نیز دقیقه ۴۳ به خاطر کوتاهی قد کوجو، روی سرش جفت و جور نشد. رامین دقیقه ۸۸ در موقعیتی خوب درون هجده‌قدم مس نتوانست پاس دقیقی به آزادی در محوطه ۶ قدم حریف برساند. چرا رامین رضاییان با آن تجربه و توانایی، فقط ۲ نوبت موفق به ارسال صحیح می‌شود؟

استقلالی‌ها در این بازی، ۹ شوت به سمت دروازه لک زدند ولی حتی یکی از آنها در چارچوب نبود. در مقابل شاگردان پورموسوی ۶ شوت به سمت دروازه آبی‌پوشان شلیک کردند که در ۲ نوبت حسینی با مهار خود مانع گلزنی آنها شد. فرصت‌های خطرناک آبی‌پوشان بیشتر از حریف بود ولی یک بار نیز لک را مجبور به واکنش نکردند چون توپ‌های‌شان راهی به چارچوب نداشت!

۱۹ هفته از لیگ برتر می‌گذرد و هنوز تفاضل گل نایب قهرمان فصل قبل، منفی است! این تیم در ۸ بازی اخیر در لیگ برتر فقط ۴ گل وارد دروازه حریفان کرده که ۳ تای آن پنالتی بوده است و تنها یکی را غیر از پنالتی و در جریان بازی به ثمر رسانده است! استقلال کماکان در نیمه پایین جدول قرار دارد و معلوم نیست با این شرایط، می‌تواند به نیمه بالای جدول صعود کند؟

بختیاری‌زاده که به گفته خودش، برای آخرین بار سکاندار آبی‌ها بود، در این بازی چندین تغییر در ترکیب تیمش داده بود. با بردن حردانی به سمت چپ، عملا این سمت استقلال تعطیل شده بود. معلوم نشد به چه دلیل زبیر نیک‌نفس جای اندونگ بازی کرد؟ یا چرا سلیمی یا سهرابیان، این بازی نیمکت‌نشین بودند و مرادمند در خط دفاع به کار گرفته شد؟ کوجو که نیمه اول دونده و فعال بود، به چه دلیل تعویض شد و از کدام بازیکن ضعیف‌تر بود؟

استقلال در دادن پاس‌های صحیح و رساندن توپ به مهاجمان خود و ضربات آخر، مشکل جدی دارد و این از علل عمده گل‌نزدن این تیم است. به اینها باید مشکل روحی - روانی تیم را هم افزود.

برای هواداران استقلال، دردناک این است؛ تیمی را که منتظر قهرمانی‌اش در فصل جاری بودند، اکنون با حال نزار در رده نهم جدول می‌بینند. تیمی که برای شکست تیم‌های پایین جدول هم مشکل دارد و این فصل را از دست رفته می‌بیند و گویا قصدی بر صعود به رتبه‌های بهتر هم ندارد! تیمی که با گذشت دوسوم بازی‌های فصل، هنوز دنبال مربی می‌گردد!

نوبرانه مدیریتی تاجرنیا و رفقا!

شما بگویید چه کسی مربی باشد؟!

علیرضا دارابی: وقتی محمد شریعتمداری، رئیس هلدینگ خلیج‌فارس، علی تاجرنیا را به عنوان نماینده تام‌الاختیار و دستیارش در باشگاه استقلال برگزید، در حکم انتصاب وی مواردی را به عنوان منشور مسؤولیتی مطرح کرد که از آن جمله تشکیل اتاق فکری بود که باید اعضایش با تایید و هماهنگی شریعتمداری انتخاب شوند. اینک پس از چند ماه از انتصاب تاجرنیا و هیات مدیره جدید، خبری که از شکل‌گیری آن اتاق فکر نشده است هیچ، اتفاقا شاهد ابداع روش نوبرانه‌ای(!) در انتخاب سرمربی آتی استقلال توسط این دوستان هستیم! البته شاید هم منظور غایی از اتاق فکر همین هیات مدیره باشد.

تاجرنیا به عنوان نفر اول تصمیم‌گیری در باشگاه استقلال، از منظر سیاسی عضو جناحی است که چنین رفتارهایی (همه پرسی برای انتخاب سرمربی) را پوپولیستی می‌دانند و حالا چرا خود در عمل بدان متوسل شده‌اند، شاید به تفاوت دیدگاه و عمل‌شان در بحران‌ها یا استیصال در انتخاب، یا نوعی جلب رضایت عمومی، جذب همراهی و کاهش انتقادها به عملکردشان یا سردرگمی مدیریتی‌شان برگردد که از قضا محل ابهام، تعجب و سوال نیز هست! آیا می‌خواهند برای باری که به دوش دارند، شریک پیدا کنند یا در صورت عدم توفیق احتمالی گزینه انتخابی، توپ را به زمین نظرسنجی بیندازند؟

تاجرنیا اوایل دهه ۸۰ نیز که عضو هیات مدیره استقلال بود چنین نظرات پوپولیستی‌ای را ارائه می‌داد، منتها آن زمان زور این روزها را برای تحمیل نظراتش نداشت. در آن زمان (اگر حافظه‌ام درست یاری کند سال ۸۲ بود) استقلال موفق به کسب قهرمانی نشده بود و کادر فنی مورد انتقاد شدید هواداران قرار گرفت و طیف وسیعی از هواداران خواهان حضور مجدد مرحوم ناصر حجازی در استقلال شدند و مدام نام وی را روی سکوها صدا می‌زدند، حال آنکه مرحوم حجازی نیز در آن دوران و در تیم‌هایی که مربی بود نتایج قابل قبولی کسب نکرده بود اما شخص تاجرنیا در مصاحبه با روزنامه ایران ورزشی مدعی شد چون هواداران، ناصر حجازی را می‌خواهند باید به خواسته‌شان تن داد. او در مقابل مخالفت هیات مدیره و مدیرعامل وقت با انتخاب ناصر حجازی (به دلیل نتایج ضعیفش)، معتقد بود باید نظر جامعه هواداری را اعمال کرد، چون نظر اکثریت است ولو اینکه غلط باشد و به کسب قهرمانی نیز منتج نشود! وی اکنون در مقام تصمیم‌گیر اول باشگاه، به دنبال همان نظریه سابق رفته است که از قضا نه نظریه‌ای علمی است، نه راهکاری متقن و منطبق بر اصول مدیریتی! اینکه وی را بازیگر اصلی روش نظرخواهی از هواداران برای انتخاب سرمربی می‌دانیم به این سبب است که اگر وی شخصا چنین فرمانی را هم صار نکرده باشد قطعا چراغ سبزش، نقش مهم و اصلی را در صدور اینگونه نظرسنجی دارد!

آنچه روشن است، این شیوه ابداعی حضرات برای انتخاب سرمربی باشگاهی چون استقلال، اصلا شیوه درستی نیست. علاوه بر اشکال علمی و مدیریتی بر این راهکار، باید اشاره کرد چه بسا بسیاری از هواداران استقلال در این نظرسنجی اصلا شرکت نکنند، احتمال زیاد دارد هواداران تیم‌های رقیب با شرکت در این پروژه، نظرات تخریبی و خلاف مصالح این باشگاه بدهند و ممکن است نظرسنجی با چربش نظرات آنها نیز مواجه شود و از آن مهم‌تر اینکه میزان علم، آگاهی، شناخت، درست‌اندیشی، صداقت نظر و قدرت تحلیل کافی شرکت‌کنندگان، محل اشکال و ایراد جدی است!

حال آنکه شیوه درست، مرسوم و مقبول این بود که آقایان برای بهره بردن از نظرات مشورتی و راهکارهای صائب، با تشکیل کمیته یا کارگروهی متشکل از صاحب‌نظران این حیطه اعم از کارشناسان، پیشکسوتان، اصحاب رسانه مطلع و افراد فنی خبره، با لحاظ کردن جوانب اساسی کار، اقدام به گزینش یک سرمربی توانمند، کارآمد و کاردان کنند. نیاز کنونی استقلال در بعد فنی مشخص است و نوع گزینه مورد نیاز نیز چندان مبهم نیست و چنین بازی‌هایی نیز نه پسندیده و مقبول است و نه مقرون به حزم و درست‌اندیشی.

آیا مدیران استقلال حاضرند چنین شیوه‌ای را برای بررسی عملکرد خود اعمال کنند و در قبال هر نوع نتیجه برآمده از نظرسنجی هواداران درباره خویش، تمکین عملی کنند؟! به هر حال اگر چنین روشی در انتخاب سرمربی باشگاه صحیح و قابل استناد است درباره مدیران باشگاه نیز قطعا باید چنین باشد.

گزارش

بررسی پنجره نقل‌وانتقالات زمستانی فوتبال اروپا

هنر سبدگردانی

محمد خواجه‌وندی: زمستان که می‌آید، فوتبال هم مثل زندگی می‌شود یک دوئل بی‌رحم. پنجره نقل‌وانتقالاتی هم که باز می‌شود، شبیه قمارخانه‌ای است که بعضی‌ها با جیب پر از میز خارج می‌شوند و بعضی‌ها، همان‌هایی که با امیدی کور پای میز نشسته‌اند، همه چیز را از دست می‌دهند. حالا که این پنجره بسته شده، وقت آن است که ببینیم چه کسی با جیب‌های پر از ستاره بیرون آمد و چه کسی در سرمای زمستان دست خالی ماند.

■ تاتنهام و سلاحی که گرفت، سلاحی که از دست داد

تاتنهام به همان تیزی و زیرکی همیشگی‌اش ماتیاس تل را از بایرن شکار کرد اما وقتی نوبت اکسل دیاسی شد، ناگهان باد در بازارشان را بست. دیاسی از چلسی به استون ویلا رفت و تاتنهام ماند و حسرتی که در چشم‌های هوادارانش برق می‌زد.

■ سیتی و سرنوشت یک کاتالان لجوج

پپ گواردیولا، معمار کمال‌گرای فوتبال، در حالی که زمزمه‌های صرفه‌جویی و کاهش هزینه‌های سیتی گوش فلک را کر کرده بود، نیکو گونزالس را از پورتو آورد و بعد، یک لشکر از آینده‌دارها را هم به تیمش اضافه کرد: عبدالقادر خوسانف، عمر مرموش، ویتور ریس و جوما باه. این خریدها برای سیتی، چیزی شبیه یک بیمه‌نامه گران‌قیمت بود تا همچنان سایه‌اش روی لیگ برتر سنگینی کند.

■ آن سوی آب‌ها؛ خریدهایی که از فرط بی‌روحی، شبیه یک فنجان چای ولرم بودند

خارج از جزیره، نقل‌وانتقالات مثل یک جاده بی‌هیجان بود که فقط چند خودرو با سرعت متوسط از آن رد شدند. میلان و گالاتاسرای در خط حمله دستی به ترکیب‌شان کشیدند و النصر هم جان دوران را از استون ویلا گرفت تا رونالدو در دوران کهنسالی‌اش یک همبازی جوان‌تر داشته باشد. اما غیر از این، پنجره نقل‌وانتقالات در اروپا بیشتر شبیه یک شب برفی بود که همه در خانه ماندند و جز چند ردپا، چیزی در کوچه‌ها دیده نشد.

■ بازندگان و برندگان پنجره زمستانی

۱- فاتی؛ شوالیه‌ای که زرهش زنگ زده (بازنده)

می‌گویند فوتبال، قصه شاهزاده‌هایی است که یا پادشاه می‌شوند یا به گمنامی تبعید. آنسو فاتی، همان نوجوان معجزه‌گری که در ۱۶ سالگی لقب «وارث مسی» را گرفت، حالا در ۲۲ سالگی، شبیه شوالیه‌ای است که زرهش زنگ زده و هیچ ارتشی حاضر نیست او را به خدمت بگیرد. بارسلونا کاملاً روشن کرده بود حاضر است او را بفروشد اما هیچ تیمی حتی یک پیامک خشک و خالی هم برای خریدش نفرستاد. حالا او مانده و ۱۸۶ دقیقه بازی در این فصل و یک نیمکت سرد که روزبه‌روز رویای لاماسیا را در ذهنش کمرنگ‌تر می‌کند.

۲- گواردیولا؛ فرمانروای همیشه برنده (برنده)

پپ شاید این روزها با بحران‌هایی که حتی به مخیله‌اش نمی‌رسید، دست‌وپنجه نرم کند اما یک چیز را خوب بلد است: وقتی همه دنیا علیه تو هستند، باید قوی‌تر از قبل به میدان بروی.

مدیران منچسترسیتی هم انگار فهمیده‌اند هیچ فرمانده‌ای بهتر از این کاتالان برای فتح دوباره لیگ برتر وجود ندارد. آنها نه تنها ۴ بازیکن برایش خریدند، بلکه با تمدید قراردادی نجومی، خیال او را از آینده ارلینگ هالند هم راحت کردند. این یعنی گواردیولا، همچنان برای فتح لیگ آماده است.

۳- آموریم؛ در میدان جنگ، بدون مهمات (بازنده)

روبن آموریم، مرد پرتغالی، در منچستر یو نا یتد درست همان احساسی را دارد که یک سرباز بدون تفنگ در میدان نبرد.

در این پنجره، یونایتد فقط ۲ کار کرد: مارکوس راشفورد را رد کرد و پاتریک دورگو ۲۰ ساله را آورد. همین و بس! اما آیا این ۲ تغییر کوچک می‌توانند مشکلاتی مثل نداشتن خلاقیت، عدم انسجام و کمبود مهاجم تمام‌کننده را حل کنند؟ نه!

و حالا با مصدومیت لیساندرو مارتینز، وضعیت از یک بحران فوتبالی عبور کرده و رسیده به یک فاجعه تمام‌عیار. آموریم شاید هنوز نباخته باشد اما بدون شک با این شرایط، روزهای سختی در پیش دارد.

۴- مدیران بارسلونا؛ بازندگانی که البته خودشان باور ندارند (بازنده)

در بارسلونا، نقل‌وانتقالات دیگر شبیه به یک شوخی تلخ شده. وقتی نمی‌توانی برای بازیکن‌های مازاد خود مشتری پیدا کنی و وقتی حتی آنسو فاتی هم روی دستت باد می‌کند، یعنی وضعیت از بد هم بدتر است.

لاپورتا و رفقایش هنوز هم فکر می‌کنند بارسا همان غول ترسناک یک دهه پیش است اما وقتی هیچ تیمی حاضر نیست برای بازیکنانش حتی چند میلیون یورو خرج کند، واقعیت مثل یک سیلی، محکم توی صورت‌شان می‌خورد.

■ و باز هم زمستانی دیگر...

پنجره زمستانی مثل یک نبرد خیابانی بود؛ بعضی‌ها با زخم‌های عمیق از آن خارج شدند، بعضی‌ها با لبخندهای پیروزمندانه اما آنچه مسلم است، اینکه در فوتبال، زمستان‌ها همیشه آغازگر بهار نیستند. گاهی اوقات، زمستان فقط یک یادآوری بی‌رحم است که نشان می‌دهد چه کسی برای جنگیدن ساخته شده و چه کسی باید تسلیم شود.

یادداشت روز

آیا سیاست ترامپ در موضوع ایران تغییر کرده؟

ادامه از صفحه اول

ترامپ در دوره نخست ریاست‌جمهوری خود فشار آورد، کنترل کرد، ترور کرد، تحریم کرد، تصفیر را دنبال کرد، ایرانیان را از ورود به کشورش ممنوع کرد و... همه آن چیزهایی که در زمان روسای جمهور قبلی ایالات متحده نیز انجام می‌شد اما سیاست ترامپ چه چیزی نداشت؟ انتظار امتیاز! انتظار امتیاز همان چیزی است که جامعه هدف را نسبت به سیاست‌های اعمالی آمریکا علیه کشورشان منتظر نگه می‌دارد؛ انتظار «در باغ سبز» و «بهبود روابط»، همان استعاره سنتی سیاست آمریکایی علیه ایران، یعنی «هویج». در دوره اوباما همین «انتظار امتیاز» سبب تسهیل روند روابط بین ایران - آمریکا شد. این همان چیزی بود که با توجه به پروپاگاندای فشرده غربی سبب شد جامعه ایرانی تنها راه بهبود شرایط اقتصادی را در «امتیازاتی» دنبال کند که با «انتظار» رابطه با غرب بویژه آمریکا آن را برساخته بود. چنین وضعیتی می‌توانست به صورت همزمان سیاست ایرانی را نیز دستخوش دستکاری‌های سیاسی طرف غربی و فشار جامعه ایرانی کند. به نظر می‌رسد برجام مهم‌ترین گرانیگاه برای همین موضوع انتظار امتیاز بوده است. بررسی زمینه‌های اجتماعی و سیاسی امضای برجام نشان می‌دهد از نظر روانشناختی سیاسی، این پرونده روابط ایران - آمریکا، یکی از بهترین مثال‌ها برای سیاست فشار واقعی-انتظار امتیاز بوده است. برجام حتی در زمان اوباما هم برای ایران هویجی به دنبال نداشت، نمود آن را می‌توان در ۱۸ ماه بعد از امضای آن و ناتوانی ایران برای ارتباط با محافل اقتصادی بین‌المللی به عیان دید اما برجام یک مولفه بارز داشت که همینک نیز در ذهنیت انسان ایرانی رسوب کرده و آن شکل‌گیری انتظار امتیاز در جامعه و سیاست ایران بود. جامعه و سیاست ایرانی همینک نیز تصور می‌کند برجام سبب شکل‌گیری امتیازات ویژه در زمینه اقتصادی شد و منتظر رسیدن به آن امتیازات است. صحبت‌های اخیر ترامپ که تلاش می‌کند (به صورت نامتعارفی) به قدرت ایران احترام بگذارد، در کنار نتانیاهو می‌نشیند و می‌گوید «ایران کشوری قوی است»، می‌گوید «آماده گفت‌وگو با رئیس‌جمهور ایران هستم»، فرقی نمی‌کند آنها تماس بگیرند یا نه اما او آماده است، می‌گوید به دنبال شکوفایی ایران است و اینکه ایرانیان بتوانند خوب زندگی کنند، می‌گوید دوستان ایرانی زیادی دارد و... اینها و دیگر صحبت‌هایش، بیشتر از سیاست فشار حداکثری، با منافع آمریکا سازگاری دارد. در منطق آمریکایی جامعه و سیاست ایرانی باید «نسبت به انتظار امتیازاتی که آمریکا به ایران می‌دهد» امیدوار باقی بماند؛ در این صورت ترامپ می‌تواند امتیازات درشتی از ایران دریافت کند. ترامپ تنها با فشار نمی‌تواند از ایران امتیاز بگیرد. باید جامعه را نیز نسبت به انتظارات درباره رابطه با آمریکا شرطی باقی گذارد تا بتواند میوه آن را در زمان مناسب بچیند اما اینکه آیا ترامپ موفق به این کار خواهد شد یا آیا ترامپ که از نظر روانشناختی تمایل دارد سریعا به نتیجه برسد، منتظر می‌ماند تا نتیجه صحبت‌هایش را ببیند و بر اساس آن رفتار خود را دنبال کند، موضوعی است که نیازمند گذر زمان است. دست‌کم ۶ ماه زمان نیاز است تا ببینیم این رفتار جدید ترامپ چگونه باید ارزیابی شود.

دیدگاه

علیه تاریخ؛ علیه تجربه

ادامه از صفحه اول

همچنین نباید این مساله را نیز نادیده گرفت که هر بار تلاش دولت جمهوری اسلامی ایران برای حل موضوعاتی که بین ۲ دولت وجود دارد، با اقدامی خصمانه از طرف دولت ایالات متحده آمریکا پاسخ داده شده است. قرار گرفتن نام ایران در میان دولت‌های محور شرارت، زمانی که ایران درباره مسائل بعد از ۱۱ سپتامبر بیشترین همکاری و همدلی ممکن را با مردم و دولت آمریکا نشان داده بود، اخلال در اجرای مفاد برجام به نفع مردم ایران در دولت باراک اوباما و خارج شدن دولت ترامپ از این توافق، در حالی که دولت ایران همه تعهدات خود را با دقت و وسواس زیادی به مرحله اجرا درآورده بود و نهایتا حمایت سیاستمداران آمریکایی از معاندان نظام جمهوری اسلامی ایران از طریق اعطای کمک‌های مالی رسمی از بودجه عمومی دولت آمریکا که با هدف برهم زدن امنیت و ثبات داخلی ایران صورت پذیرفته، هر کدام به نحوی زمینه‌های تاریخی حاکم بر رابطه میان این ۲ دولت را تشکیل می‌دهد. هر شکلی از بحث درباره مذاکره میان ۲ دولت، اگر بدون توجه به این تاریخ انجام شود، تنها به سرخوردگی سیاسی و ملی دیگری منتهی خواهد شد؛ به قدم زدن در مسیری که از ابتدا برای نرسیدن در آن پا گذاشته‌اند.

نگاه

مذاکره با آمریکا راه‌حل مشکلات کشور نیست

ادامه از صفحه اول

این سخنان دولت را از یک مسیر اشتباه و پرهزینه بازمی‌دارد و به سمت مسیر درست هدایت می‌کند. یکی دیگر از مهم‌ترین بخش‌های سخنان رهبر انقلاب، اشاره به رفتار تهدیدآمیز آمریکا بود. ایشان تأکید کردند اگر آمریکا تهدیدات خود را عملی کند، ایران نیز بدون تردید پاسخ خواهد داد. این موضع قاطعانه نشان‌دهنده آن است که جمهوری اسلامی نه‌تنها تسلیم فشارها نخواهد شد، بلکه آماده مقابله با هرگونه اقدام خصمانه است. این پیام برای مخاطبان داخلی و خارجی اهمیت ویژه‌ای دارد، چرا که هم انسجام ملی را تقویت می‌کند و هم طرف مقابل را نسبت به عواقب اقداماتش آگاه می‌سازد. حفظ امنیت کشور و هوشیاری در برابر دشمن، از اولویت‌های اساسی است که نباید در هیچ شرایطی نادیده گرفته شود، در حالی که از برخی موضع‌گیری‌های مسؤولان دولتی طی چند ماه گذشته موضع ضعف استشمام می‌شود. اما تأکید بر «شرافتمندانه نبودن» مذاکره با آمریکا از سوی رهبر انقلاب، فراتر از یک موضع سیاسی یا دیپلماتیک، بازتابی از یک دیدگاه اخلاقی-ارزشی نسبت به روابط بین‌الملل است.

از نگاه رهبر انقلاب، مذاکره با کشوری که بارها تعهدات خود را نقض کرده و همواره درصدد تضعیف جمهوری اسلامی بوده، غیرعاقلانه و مغایر با اصول عزت و شرافت ملی است.

در نهایت به نظر می‌رسد بیانات دیروز رهبر انقلاب یک پیام روشن برای همه مسؤولان کشور دارد: حل مشکلات کشور نیازمند اتکا به ظرفیت‌های داخلی و تقویت اتحاد ملی است. ایشان راهپیمایی ۲۲ بهمن را نماد این اتحاد دانستند و بر نقش ملت بصیر و مسؤولان خستگی‌ناپذیر تأکید کردند.

این سخنان نشان‌دهنده آن است که رهبر انقلاب همچنان امیدوارند دولت بتواند با تکیه بر توان داخلی، گام‌های مؤثری در جهت کاهش مشکلات معیشتی مردم بردارد. این بیانات پاسخی قاطع به فضاسازی‌های اخیر برخی جریان‌ها و رسانه‌ها درباره مذاکره با آمریکا بود و نقشه راهی برای آینده سیاست داخلی و خارجی کشور ارائه کرد. تجربه تاریخی، عقلانیت در تصمیم‌گیری، قاطعیت در برابر تهدیدات خارجی و اتکا به ظرفیت‌های داخلی، محورهای اصلی این نقشه راه است که اگر جدی گرفته شود، می‌تواند دولت را به مسیر درست اداره کشور هدایت کند.